



شرایط نامطلوب زندان

تأثیر آن در سرکوب اصلاح طلبان در دوران خاتمی

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی بیطرف و مستقل پژوهشی است که هدف آن ایجاد یک تاریخچه جامع و عینی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب سال 1357 به بعد می‌باشد. این تاریخچه، شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از اسناد و مدارک است که به صورت آرشیو، جهت مطالعه و تحقیق در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. با تکیه بر این اصل که مسئولیت‌پذیری در قبال تخلفات گذشته لازمه پیشرفت اجتماعی و تحولات دموکراتیک در آینده خواهد بود، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، گفتگو و تبادل نظر آگاهانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تشویق و ترغیب می‌نماید. این مرکز با تعداد زیادی از پژوهشگران و متخصصان در زمینه مستندسازی موارد نقض حقوق بشر و سایر پروژه‌ها همکاری می‌کند.

اهداف مرکز اسناد حقوق بشر ایران

- بررسی و مستندسازی موارد تخلف حقوق بشر در ایران؛
- ارتقای سطح آگاهی مجامع بین‌المللی از تخلفات حقوق بشر در ایران و تحت فشار قرار دادن دولت ایران برای خاتمه دادن به این تخلفات؛
- ارتقای سطح آگاهی مردم ایران از موارد تخلف حقوق بشر در ایران و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر؛
- ایجاد مجموعه و آرشیوی اینترنتی از اسناد حقوق بشر با این امید که روزی در پیشرفت و حمایت از روند مسئول شناختن متخلفان مورد استفاده قرار گیرد.

آدرس:

Iran Human Rights Documentation Center

129 Church Street, Suite 304

New Haven, CT 06510, USA

تلفن: (203) 772-2218

نمبر: (203) 772-1782

پست الکترونیکی: info@iranhrdc.org

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

عکس روی جلد: اتاق ملاقات زندان قزل حصار، تهران – جمال کریمی راد، سخنگوی وقت قوه قضاییه
عکس پشت جلد: مهرانگیز کار

شرایط نامطلوب زندانها
تأثیر آن در سرکوب اصلاح طلبان در دوران خاتمی

فهرست مطالب

1. چکیده 2
2. حقوق زندانیان در ایران 3
- 1-2. قوانین ناظر بر زندان و زندانی 3
- 1-1-2. نگهداری در سلول انفرادی 5
- 2-1-2. شکنجه 6
3. مداخله سازمانها و نهادهای موازی در اداره امور زندان اوین 8
4. وضعیت در زندان اوین از نگاه پژوهشگران 9
5. تأثیر فشارهای خارجی در وضعیت نگهداری زندانیان سیاسی 10
6. گزارش مفسران 11
- 1-6. وجود بازداشتگاهی مخفی و بی نام و نشان در مرکز تهران 12
7. سخن آخر 14

1. چکیده

در این گزارش، نقش مدیریت زندانها در سرکوب اصلاح طلبان و منتقدین بررسی شده است. آنچه مسلم است از سال 1380مسی، آیین نامه اجرایی سازمان زندانها از تصویب گذشته و لازم الاجرا شده است که به موجب آن حداقل حقوق زندانیان پذیرفته شده است اما در این آیین نامه متهمین و محکومین مطبوعاتی و سیاسی جایگاه خاصی ندارند. آنها را در کنار مجرمان عادی و گاهی مجرمان خطرناک نگهداری می کنند که منجر به وخامت وضعیتشان در زندانها می شود اینرو در این گزارش به مواردی از این شیوه ی نقض حقوق زندانیان مطبوعاتی هیاسی اشاره شده است. زیر عنوان حقوق زندانیان، مداخله سازمانها و نهادهای موازی در اداره ی امور زندان اوین در دوران 8 ساله ی اصلاحات تأثیر فشارهای خارجی بر وضعیت نگهداری زندانیان سیاسی توجه داده شده و از وجود شکنجه در برخورد با آنها به نقل قول پرداخته است نگهداری در سلول انفرادی که یکی از انواع خشونت بار شکنجه است در زندانهای ایران همچنان متداول است و در دوران 8 ساله ی ریاست جمهوری محمد خاتمی یکی از شیوه های رایج برای اخذ اقرار و توبه نامه بوده است.

در مجموع وضعیت نگهداری زندانیان سیاسی در ایران با استانداردهای جهانی و مبانی حقوق بشر که در اسناد مهم حقوق بشری به آن تأکید شده هماهنگ نیست و دولت ایران حتی به تعهدات بین المللی خود نسبت به کنوانسیونهایی که امضا کرده و همچنین به روح اعلامیه جهانی حقوق بشر کمترین اعتنایی مبذول نمی دارد.

2. حقوق زندانیان در ایران

2-1. قوانین ناظر بر زندان و زندانی

به موجب ماده 9 قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب 1364/11/6)، این سازمان شکل گرفت. آیین نامه اجرایی سازمان مشتمل بر 232 ماده و 84 تبصره، مصوب 1380/4/26، در روزنامه رسمی شماره 16430، سال پنجاه و هفتم، یکشنبه هفتم مرداد ماه 1380 منتشر شد. بنابراین تا پیش از دوران اصلاحات، این آیین نامه اجرایی اعتبار قانونی نداشته است. آیین نامه در ماده 1، سازمان را اینگونه تعریف می کند:

سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمانی است مستقل که مستقیماً زیر نظر رئیس قوه قضاییه انجام وظیفه می نماید ...

ماده 3 آیین نامه، زندان را اینگونه تعریف می کند:

زندان محلی است که در آن محکومین قطعی با معرفی مقامات ذیصلاح قضایی و قانونی برای مدت معین یا بطور دائم به منظور اصلاح و تربیت و تحمل کیفر نگهداری می شوند.

ماده 4 آیین نامه، بازداشتگاه را اینگونه تعریف کرده است:

بازداشتگاه محل نگهداری متهمینی است که با قرار کتبی مقامات صلاحیتدار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می شوند.

ماده 20 آیین نامه، وظایف سازمان را به شرح زیر تعیین کرده است:

الف- اجرای مجازات حبس. طبق مقررات مربوطه، سازمان در خصوص اجرای سایر مجازاتها تکلیفی ندارد.

ب- اداره کلیه امور زندانها، بازداشتگاهها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و ...

ماده 24 آیین نامه توجه می دهد:

تأسیس، احداث و اداره کلیه زندانها و بازداشتگاهها و سایر مؤسسات و مراکز وابسته به سازمان و نیز تغییر محل آنها منحصراً در اختیار سازمان می باشد. مراجع قضایی، اجرایی، اطلاعاتی، انتظامی و نظامی از داشتن زندان و بازداشتگاه اختصاصی ممنوع می باشند.

تبصره- بازداشتگاههای انضباطی نیروهای مسلح از شمول این آیین نامه خارج است.

ماده 25 آیین نامه تأکید دارد بر اینکه:

انتظامات و حفاظت فیزیکی از زندانها و بازداشتگاهها و سایر مراکز وابسته به عهده سازمان است که توسط یگان انتظامی و نیروهای انتظامی تحت امر اعمال خواهد شد.

تبصره- نیروهای فوق تحت امر رئیس سازمان بوده و وی می‌تواند اختیارات خود را رأساً یا با تفویض به معاون انتظامی سازمان، به مدیران کل استانها و رؤسای زندانها واگذار نماید.

ماده 65 آیین‌نامه بر طبقه‌بندی زندانیان به ترتیب زیر تأکید دارد:

زندانان حسب سابقه، سن، جنسیت، نوع جرم، تابعیت، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی و چگونگی شخصیت و استعداد به یکی از قسمتهای زندان یا مؤسسات تأمینی و تربیتی معرفی می‌گردند.

تبصره- زندانیان زن می‌توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. رؤسای زندانها می‌توانند در هر زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال 2 سال تا 6 سال در محل مجزا (مهد کودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به بهزیستی یا مؤسسات نگهداری اطفال مبادرت نمایند.

ماده 66 آیین‌نامه مقرر می‌دارد:

در صورت امکان به هر زندانی یک اطاق با وسایل لازم داده می‌شود و هرگاه زندانیان به طور دسته‌جمعی نگهداری شوند باید منتهای کوشش و دقت را در انتخاب افراد یک گروه از حیث تناسب سن و جهات دیگر بخصوص به هنگام خواب به عمل آورد و مخصوصاً در شب بازدید و نظارت بیشتری درباره‌ی آن اعمال گردد.

ماده 67 آیین‌نامه مقرر می‌دارد:

لوازم آسایشگاه برای هر زندانی عبارتست از:

تخت خواب، تشک، بالش، دو تخته پتو، ملحفه برای پتو و تشک و بالش (تغییر محل این لوازم در آسایشگاه به دلخواه زندانی ممنوع است).

زندانانی که تاکنون از زندان مرخص شده‌اند، بخصوص کسانی که سلول انفرادی را تحمل کرده‌اند تأکید دارند بر اینکه در زندان از تخت خواب، تشک، بالش، ملحفه برای پتو و تشک و بالش خبری نبوده و حداکثر به آنها دو تخته پتو داده می‌شده است.

برای بررسی نقش سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور فقط به نقل چند ماده از آیین‌نامه‌ی آن اکتفا شد. اینها مواردی است که در زندان اوین در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی محل بحث و گفتگوهای بسیاری بوده و جناح راست بدون مراعات مندرجات مواد این آیین‌نامه، به سرکوب اصلاح‌طلبان به‌خصوص در زندان اوین پرداخته است. گاهی برخی نکات مثبت این آیین‌نامه توسط عوامل سرکوب در قوه قضاییه به گونه‌ای تفسیر شده که بر ضد حقوق زندانیان به کار رفته است.

در اینجا موارد عمده تخلف از مندرجات آیین‌نامه بررسی می‌شود. بررسی دربرگیرنده‌ی تجربیات گزارشگر که 22 سال در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در حرفه‌ی وکیل مدافع بوده می‌باشد. همچنین بررسی دربرگیرنده برخی نظرات کارشناسی بوده و مشاهدات ناظران داخلی و خارجی را مطرح می‌سازد.

اظهارات زندانیان بعد از رهایی از زندان اوین و سایر زندانها، بررسی بر پایه شهادت شهود عینی را غنی می‌سازد.¹ آنچه وضعیت فعالان مطبوعاتی و سیاسی را در زندان اوین و سایر زندانها به شدت دشوار ساخته نحوه‌ی نگهداری و برخورد با آنهاست که به آن مصداق نقض موازین جهانی حقوق بشر داده است. در یک جمع‌بندی چنین است:

2-1-1. نگهداری در سلول انفرادی

در مواد و تبصره‌های آیین‌نامه سازمان زندانها سلول انفرادی پیش‌بینی نشده است. ماده 66 آیین‌نامه تأکید می‌کند در صورت امکان به هر زندانی یک اتاق با وسایل لازم داده بشود. با سوء استفاده از این تجویز قانونی که با هدف تأمین رفاه زندانی از تصویب گذشته، در تمام دوران 8 ساله ریاست جمهوری محمد خاتمی، بازداشت‌شدگان و زندانیان مرتبط با فعالیتهای اصلاح‌طلبانه، عموماً در سلول انفرادی که بدترین نوع شکنجه است نگهداری شده‌اند. برخی چند روز، برخی چند ماه و برخی بیش از یک سال. برخی در سلول انفرادی زندانهای ناشناخته و غیرقانونی، برخی در سلول انفرادی زندان اوین و دیگر زندانهای قانونی در سلولهای انفرادی 2x3 نگهداری شده‌اند.² این سلولها دارای یک دستشویی بسیار کثیف است و یک توالت فرنگی از جنس فلز به غایت کثیف و زنگ‌زده در کنار دستشویی است. اغلب چند تکه پارچه آلوده، مثلاً گلیم پوسیده و پاره، روی زمین پهن است و برخلاف دستورات مندرج در آیین‌نامه سازمان زندانها به هیچ وجه تشک، تخت‌خواب و بالش در اختیار زندانی قرار نمی‌گیرد و بدون مراعات این ماده آیین‌نامه فقط دو پتو به زندانی داده می‌شود که زبر و کثیف است. سلولهای انفرادی اوین برای زندانیان بلند قد بیشتر زجرآور است. چون زندانی نمی‌تواند هنگام خواب پای خود را در یک سطح مناسب دراز کند. پای زندانی در ساعات طولانی جمع می‌شود و احساس پادرد نخستین عارضه‌ای است که جسم زندانی را می‌آزارد و خون مردگی ایجاد می‌کند که گاهی تا پایان عمر زندانی را رنج می‌دهد. نگارنده‌ی این گزارش، سلول انفرادی را با مشخصات فوق تجربه کرده و در سال 1379 به اتهام شرکت در کنفرانس برلین مدتها در سلول انفرادی بند زنان اوین محبوس بوده است. همچنین به نقل از احمد زیدآبادی کارشناس مسائل ایران و خاورمیانه در سایت اینترنتی بی‌بی‌سی فارسی، 19 ژانویه 2005:

اکثر زندانیانی که تجربه حبس طولانی در سلولهای انفرادی را از سر گذرانده‌اند، اذعان دارند که شرایط این سلولها طاقت فرساست و فشار زیادی را به زندانی تحمیل می‌کند. فضای تنگ سلول، انزوای کامل، فضای رعب‌انگیز، چشم‌بند همیشگی، عدم دسترسی به کتاب و دفتر و خودکار، قرنطینه اطلاعاتی، بهداشت نامناسب و تنهایی بی‌پایان، به تدریج باعث یأس و نومیدی زندانی و تمکین او در برابر بازجویان و پذیرش اتهامات به منظور خلاصی از این وضع دشوار می‌شود.

¹ ر.ک. پیوست 1.
² ر.ک. پیوست 2.

هر بار که بر پایه اظهارات زندانیان نگهداری شده در سلولهای انفرادی یا بر حسب اعلام سازمانهای حقوق بشر داخلی یا خارجی بحث سلول انفرادی مطرح شده، مسئولین قوه قضاییه وجود سلول انفرادی را تکذیب و گاهی از آن به نام سوئیت یاد کرده‌اند که البته این اظهارات از نگاه اصلاح‌طلبان نگهداری شده در این سلولها مضحک و شگفتی‌آور است و آنها توانسته‌اند با استفاده از فضای سیاسی دولت خاتمی افشاگری کنند.

چندی پیش اعضای کانون مدافعان حقوق بشر در ایران که عموماً خود تجربه‌ی سلول انفرادی را پشت سر دارند به همراه شماری از فعالان سیاسی و مطبوعاتی که در سالهای اخیر در سلولهای انفرادی بازداشت بوده‌اند، در یک کنفرانس مطبوعاتی خواهان برچیده‌شدن همه‌ی سلولهای انفرادی شدند. در پی این نشست، سخنگوی قوه قضاییه و رئیس سازمان زندانها تأکید کردند به دستور رئیس قوه قضاییه در حال حاضر هیچ سلول انفرادی در زندانهای جمهوری اسلامی وجود ندارد و سلولهای انفرادی قبلی، اکنون به سوئیت‌هایی بزرگ، مناسب و مجهز تبدیل شده‌اند.

این ادعا در سال 1384 شمسی مطرح شده است. بنابراین به فرض آنکه ادعا صحت هم داشته باشد، مسئولین قضایی کشور منکر وجود سلول انفرادی که مصداق بارز شکنجه را دارد در تمام سالهای اصلاحات از 1376 تا 1384 نشده‌اند و فقط ادعا کرده‌اند «در حال حاضر هیچ سلول انفرادی وجود ندارد» که البته بر پایه اظهارات زندانیان این ادعا واهی است.

2-1-2. شکنجه

علاوه بر نگهداری زندانی در سلولهای انفرادی زندان اوین که نوع خاصی از شکنجه است، زندانیان به صورتهای مختلف متحمل شکنجه‌های روحی و جسمی هم می‌شوند. رایج‌ترین شکنجه در دوران اصلاحات که موضوع این پژوهش است، عبارت بوده است از فحشهای رکیک جنسی، سیلی، تو دهنی، پس گردنی، لگد، شلاق و انواع ضرب و شتم. همچنین متهم از ارتباط تلفنی یا حضوری با افراد خانواده محروم بوده است. نظر به اینکه به موجب تبصره‌ی ذیل ماده 128 قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال 1378، قاضی می‌تواند وکیل را در مرحله‌ی تحقیقات راه ندهد، در نتیجه اغلب انواع شکنجه‌های جسمی در دوران بازداشت موقت و ضمن تحقیقات که متهم بدون حضور وکیل در اختیار شکنجه‌گران بوده و شهادی بر اقدامات خلاف قانون نداشته، انجام شده و به ضرب آن، اقراریر مورد نیاز شکنجه‌گران وابسته به جناح مخالف با اصلاح‌طلبان اخذ شده است. یک نمونه از این اقراریر در سال 1380 از علی افشاری، فعال جنبش دانشجویی، در زندان اوین اخذ و فیلمبرداری شد و در صدا و سیمای جمهوری اسلامی به نمایش در آمد. بعدها علی افشاری اعلام کرد آنچه از او اخذ و پخش شده، زیر شکنجه و بدون اراده‌ی آزاد اظهار گردیده است.

شلاق زدن و ضرب و شتم متهم حتی در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی پذیرفته نیست. به‌خصوص که به موجب ماده 20 آیین‌نامه سازمان زندانها، این سازمان فقط مجری مجازات حبس است و در خصوص اجرای سایر مجازاتها تکلیفی ندارد.

متأسفانه از 22 بهمن 1357 که انقلاب اسلامی پیروز شد، زیر عناوین مجازاتهای شرعی، شلاق زدن را مشروعیت بخشیدند و اسم شلاق و کابل را تعزیر گذاشتند. مثلاً وقتی می‌خواستند متهم را شلاق بزنند، به بهانه آنکه به یک سؤال بازجو پاسخ نادرست داده، قاضی پیش از آنکه به اصل اتهام متهم رسیدگی کند، عجالاً دستور می‌داد او را به جرم دروغ‌گویی تعزیر کنند یعنی با کابل شلاق بزنند. این رویه رایج در زندان اوین در دوران اصلاحات هم به صورتهای گوناگون به اجرا گذاشته شده است. آقای هاشمی رفسنجانی در کتاب «عبور از بحران» که به شرح کارنامه و خاطرات خود پرداخته است می‌نویسد:

... امام پنجمشنبه 24 دی ماه سال 1360، مسئله شایعه اخبار مربوط به شکنجه زندانیان را مطرح کردند. آقای فهیم و اعضای بازرسی مواردی را ذکر نمودند. امام از آقای اسدالله لاجوردی توضیح خواستند. ایشان گفت: تعزیر می‌کنم و تعزیر با اجازه‌ی حکام شرع است و توضیح داده شد به خاطر وسعت عمل تروریستی و شلوغی زندانها و عدم امکانات کافی، بروز چنان وضعی اجتناب ناپذیر بوده، ولی دیگر از این به بعد قابل اجتناب است. قرار شد دیگر مراعات شود ...

همه زندانیان، زندانبانان و شهود عینی از سال 1360 به بعد که ظاهراً توسط آقای هاشمی رفسنجانی، سال پایانی شکنجه در پوشش تعزیر اعلام شده، شاهد بوده‌اند که زندانیان با کابل و شلاق چنان کتک خورده‌اند که گاهی به پای مرگ رفته‌اند. در سالهای اصلاحات، شلاق در جای وسیله‌ای برای اخذ اقرار مورد استفاده بوده و در تمام زندانها علیه زندانیان برخلاف مفاد آیین‌نامه سازمان زندانها به کار رفته است.

علاوه بر شکنجه‌های جسمی، شکنجه‌های روحی، تحقیر، تمسخر و فحاشی در زندانهای عصر اصلاحات رواج داشته است. ممانعت از دیدار زندانی با افراد خانواده یا بازداشت برخی از افراد خانواده به اتهام پیگیری پرونده و افشاگری درباره‌ی سلول انفرادی و شکنجه متهم از جمله‌ی این قبیل شکنجه‌ها بوده است. پرونده‌سازی اخلاقی برای متهم نوع دیگری از شکنجه روانی است که متهم از آن می‌هراسد و چون با شرافت و حیثیت خانوادگی و اجتماعی متهم در ارتباط است، یکی از ابزارهای اخذ اقرار در تمام دوران 8 ساله اصلاحات بوده است. بیشتر فعالان مطبوعاتی و سیاسی با این تجربه به خوبی آشنایی دارند.

یک نوع شکنجه روانی که همواره در جمهوری اسلامی مرسوم بوده و در عصر اصلاحات هم بسیار مورد بهره‌برداری قرار گرفته، اختلاط زندانیان سیاسی با زندانیان عادی است. آیین‌نامه سازمان زندانها در ماده 65 به اصل تفکیک زندانیان بر پایه جنس، نوع جرم، ویژگیهای روانی و شخصیتی، سن و سال توجه داده، اما به تفکیک زندانیان سیاسی از زندانیان عادی صراحتاً نپرداخته است. علت آن است که در قوانین ایران جرم سیاسی تعریف نشده، به علاوه اصل مراعات حقوق متهم سیاسی حتی از انقلاب مشروطه به بعد در عرف حکومتی پذیرفته نشده است. در قانون مجازات اسلامی که بعد از انقلاب اسلامی تصویب شده، منتقدین و مخالفان جمهوری اسلامی زیر عناوین مجرمانه‌ی دیگر مجازات می‌شوند. از اینرو است که مجرم یا متهم سیاسی را بدون توجه به ویژگیهای شخصیتی او با کلاهبرداران، روسپیان، دزدان، جانیان، قاچاقچیان و دیگر مجرمین یکجا نگهداری می‌کنند. این همزیستی برای متهمین سیاسی زجرآور است و به تنهایی نوعی شکنجه روانی است. به علاوه برخی زندانیان سیاسی از جمله ناصر زرافشان ادعا کرده‌اند که در دوران تحمل محکومیت حبس، از برخی زندانیان عادی علیه آنها استفاده شده و آنها را برانگیخته‌اند یا به آنها وعده‌ی امتیاز و مرخصی داده‌اند تا زندانیان سیاسی را مورد ضرب و شتم قرار دهند.

این نوع شکنجه روانی در شرایطی رایج است که به موجب اصل 168 قانون اساسی مصوب سال 1358، نهادهای قانون گذاری کشور مکلف به تعریف جرم سیاسی بوده‌اند. به موجب اصل 168 قانون اساسی:

رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

تاکنون به این تکلیف عمل نشده و سازمان زندانها با سوء استفاده از فقدان تعریف جرم سیاسی، زندانیان سیاسی را در وضعیت مشقت‌باری به همزیستی با مجرمین عادی مجبور می‌کند. از طرفی، مدیران قوه قضاییه در جهان جار می‌زنند که در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد. نظریه‌ی فقهی هم که بر قانون گذاری در ایران غالب است، تأکید دارد بر اینکه در اسلام جرم سیاسی معنا ندارد.

وضعیت نابسامان زندانیان به زندان اوین محدود نمی‌شود. در سایر زندانهای قانونی و غیر قانونی با زندانیان بسیار بد رفتاری می‌کنند.³ این پیوست حاوی افشاگری دبیر دوم سابق سفارت هلند در تهران پیرامون وضعیت نابسامان زندانیان سیاسی رجایی شهر می‌باشد که دور از انظار جهانی است و در روزنامه اینترنتی «روز» در جولای 2005 انتشار یافته است.

3. مداخله سازمانها و نهادهای موازی در اداره‌ی امور زندان اوین

از نگاه سازمانها و نهادهای موازی در دوران 8 ساله اصلاحات، اقدامات سرکوبگرانه‌ی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در زندان اوین، برای سرکوب اصلاح‌طلبان کافی نبوده است. این سازمانها و نهادهای امنیتی موازی نه تنها در زندانهای مخفی و یگانها و پادگانهای (واحدهای نظامی) خارج از مدیریت سازمان زندانها، اصلاح‌طلبان و حامیان مؤثر آنها را در بدترین شرایط حبس و شکنجه کرده‌اند، بلکه برخی از بندهای زندان اوین را به کلی از حوزه‌ی مدیریت سازمان زندانها خارج ساخته‌اند. تا پیش از ورود محمد خاتمی به صحنه سیاست، این فقط وزارت اطلاعات بود که بند 129 زندان اوین را در اختیار داشت. اما بعد از ریاست جمهوری خاتمی به تدریج بندهای دیگری هم در اختیار عوامل زورمند نهادهای اطلاعاتی موازی مرتبط با محافظه‌کاران قرار گرفت. زندان اوین به زندانی که در آن حکومتی چندگانه به خوبی تجلی یافت تبدیل شد. سپاه پاسداران و اطلاعات قوه قضاییه بندهایی را به انحصار خود در آوردند که حتی رئیس سازمان زندانها قادر نبود برای بازرسی به این بندها وارد بشود. اطلاعات نیروی انتظامی هم بازداشتگاههای خاص خود را در جاهای پرت و دور از نظارت داشت. به همین علت در رویارویی با خبرهای مربوط به برخی زندانیان سیاسی، مسائل به آسانی روشن نمی‌شود. معمولاً روابط عمومی سازمان زندانها هنگامی که بی‌خبری از یک زندانی بالا می‌گیرد ادعا می‌کند، زندانی در زندان اوین و تحت نظارت این سازمان است. حال آنکه وقتی خویشاوندان زندانی و وکلا به دفتر سازمان مراجعه می‌کنند، در دفاتر مربوطه از نام زندانی خود اثری نمی‌یابند. در پرونده‌های خاصی، این نابسامانی آشکار شده است. در بندهایی از زندان اوین که کاملاً خارج از مدیریت سازمان زندانها اداره می‌شود، حتی مفاد و مندرجات آیین‌نامه سازمان زندانها که حداقلی از استانداردهای

³ ر.ک. پیوست 3.

رفاهی برای زندانیان در آن پیش‌بینی شده است، مراعات نمی‌گردد. نهادها و سازمانهایی که این بندها را در کنترل خود دارند پاسخگو نیستند و مانند موجودات نامرئی از همه‌ی درها عبور می‌کنند، به هر شکل که دلخواهشان است با زندانی برخورد می‌کنند و سرانجام با اقراریر اخذ شده در این بندها، پرونده‌های پرو پیمان را روبروی قضات وابسته به جناح خود قرار می‌دهند. در این موقعیت، مقررات و امکانات ملاقات با خویشاوندان و وکلا به کلی منتفی می‌شود. هرگاه زندانبانان صلاح بدانند و هرگاه آثار ضرب و شتم و شکنجه تا حدودی التیام یابد، ترتیب یک ملاقات محدود با زندانی را می‌دهند. زندان اوین برای ملاقات زندانیانی که در زندانهای ناشناخته‌ی دیگری به سر می‌برند، به طور غیر قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این ترتیب که وقتی بعد از پایان مرحله‌ای از ضرب و شتم و شکنجه در زندانهای ناشناخته، تصمیم می‌گیرند به زندانی اجازه‌ی ملاقات بدهند، به خویشاوندان درجه یک زندانی اعلام می‌کنند برای دیدار با زندانی خود به دفتر زندان اوین، در ساعت معینی مراجعه کنند. وانمود می‌شود که زندانی در زندان اوین به سر می‌برد، اما چنین نیست. زندانی را با چشم‌بند در محاصره چندین مأمور خشن آورده‌اند و حتی خودش هم نمی‌داند از کجا می‌آید. دقایق محدودی خویشاوند خود را در محاصره‌ی مأموران خشن می‌بیند و به سرعت وقت ملاقات پایان می‌یابد. کسانی که به این ترتیب زندانی خود را در سالهای بعد از 1376 در زندان اوین ملاقات کرده‌اند می‌گویند ریش و سبیل و موی سر زندانی به اندازه‌ای بلند بوده که به نظر می‌رسیده زندانی اساساً به سختی می‌توانسته آب بنوشد یا غذا بخورد. این دسته از زندانیان در شرایط حیوانی نگهداری می‌شوند و در جاهای دور از نظارت، زیر انواع شکنجه‌های جسمی و روحی اقرار می‌کنند. سیامک پورزند نمونه‌ی شاخص این نوع زندانی است که بیش از یک سال در جاهای نامعلوم زندانی بود، اما هر چند ماه یک بار او را با سر و روی ژولیده به دفتر زندان اوین می‌آوردند تا با خواهر سالخورده و زمین‌گیرش دیدار کند (اظهارات مهین پورزند در سال 1381).

4. وضعیت در زندان اوین از نگاه پژوهشگران

در فروردین ماه سال 1384 خبرگزاری کار ایران (ایلنا) خبر داده است در ادامه سومین سمینار انجمن دفاع از حقوق زندانیان در تهران، سعید مدنی اظهار داشته است:

بر اساس مطالعات انجام شده، شیوع اختلال روانی در زندان بسیار بیشتر از خارج زندان است، زیرا در وقوع جرم عوامل روانی دخالت دارد و کسی که وارد زندان می‌شود، دچار نوعی اختلال روانی می‌گردد.

این فعال ملی مذهبی با بیان این مطلب که زندانهای ایران باعث کاهش اختلال روانی نمی‌شوند اظهار داشت:

اگر سه شاخصه حس پیوند زندانی با خانواده و تقویت آن، حس پیوند زندانی با جامعه و تقویت آن، و تغییر نگرش نسبت به خود در زندان اتفاق افتد، می‌توان انتظار داشت که زندانی در طول دوران بازداشت رو به اصلاح رود.

وی در ادامه به آمار یک مطالعه از زندان اوین که در سال 1380 صورت گرفت، اشاره کرد و گفت: «این آمار نشانگر تأثیر منفی پیوستگی زندانی با خانواده، جامعه و خود است. بنابراین شرایط بروز و شیوع اختلالات روانی در

این زندان کاملاً مستعد است.» مدنی افزود: «اگر مدیریت کلان جامعه با جمعیتی مواجه است که 21 درصد آن با مسأله بروز و شیوع اختلالات روانی روبرو هستند، مدیریت زندان با جمعیتی روبرو است که 50 درصد آن دچار اختلال هستند. بنابراین اداره این جامعه کوچک نیاز به برخورد عملی دارد. برخورد نظامی - امنیتی شاید موجب کنترل رفتار زندانی بشود، اما باعث تشدید اختلالات روانی زندانی می‌شود.»

در پایان این سمینار خانم مرضیه مرتاضی لنگرودی، عضو انجمن دفاع از حقوق زندانیان، به ارائه گزارشی از وضعیت بهداشتی برخی زندانهای کشور پرداخت و گفت:

تا این لحظه موفق به کسب مجوز برای بازدید از زندانهای کشور نشده‌ایم و گزارش ارائه شده از مجموع گفته‌های زندانیان به وکلای آنان و پرسنل زندان گردآوری شده است.

وی به ارائه گزارشی از وضعیت زندان اوین پرداخت و گفت: «بر اساس آخرین آمار، این زندان دارای سه هزار نفر زندانی است که در بخش قدیمی این زندان، تراکم زندانیان بسیار زیاد است، به گونه‌ای که هفته‌ای یک بار هم نمی‌توانند استحمام کنند.» لنگرودی ادامه داد: «در زندان اوین هر زندانی هر 20 روز یک بار می‌تواند به بهداری برود که مراحل رفتن به بهداری نیز آنقدر سخت است که بسیاری از رفتن به بهداری منصرف می‌شوند. همچنین بیماریهای پوستی، سل و هیپاتیت در این زندان مشاهده شده است که متأسفانه آمار دقیقی از آن ارائه نمی‌شود.»

5. تأثیر فشارهای خارجی در وضعیت نگهداری زندانیان سیاسی

فشارهای خارجی نسبت به وضعیت مشقت‌بار زندانیان در ایران بعد از 1376 هرچند در کوتاه مدت تأثیرگذار نبوده است، اما همواره در دراز مدت پاسخ داده است.

«امیبی لیگابو»، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، یکی از آخرین بازدیدکنندگان از زندان اوین است.⁴ وی آبان ماه سال 1382 به ایران رفت و سپس با انتشار گزارشی در مقر سازمان ملل متحد در ژنو تصریح کرد: هرچند اصلاح‌طلبان، در رده‌های عالی دولت حضور دارند اما با این همه برخی از نهادها که به دست تدروها اداره می‌شود، آنها را در منگنه قرار داده است.

وی می‌افزاید:

برخورد سازمان یافته افرادی که دیدگاههای انتقادی در خصوص عقاید سیاسی، دینی، رسمی و نحوه عملکرد نهادها دارند، جوی از وحشت و خفقان را بر جامعه ایران حاکم کرده است.

بسیاری از کسانی که لیگابو با آنها دیدار کرده به وی گفته‌اند:

در ایران آزادی بیان وجود دارد، ولی آزادی پس از بیان وجود ندارد.

⁴ رک. پیوست 4.

در گزارشی که لیگابو انتشار داده است گفته شده احمد باطبی، زندانی سیاسی وابسته به جنبش دانشجویی 18 تیر 1378، در زمان ملاقات با او و قبل از پایان مرخصی‌اش دستگیر و به زندان اوین بازگردانده شده است.

گزارشگر ویژه با نگرانی عمیق اعلام می‌دارد که این محکومیت به خاطر تلافی کردن همکاری آقای باطبی با کارشناس مستقل حقوق بشر سازمان ملل متحد صورت گرفته است.

گزارشگر ویژه و هیئت همراه او توانستند با هفت نفر از کسانی که در زندان اوین بازداشت بودند ملاقات نمایند. این هفت نفر عبارت بودند از: هاشم آغاچری، رضا علیجانی، عباس دلدار، اکبر گنجی، ایرج جمشیدی، مهرداد لهراسبی و سیامک پورزند.

انتشار گزارش لیگابو در جهان، بی‌گمان تأثیرگذار بوده است. نمی‌توان ادعا کرد این نوع فشار خارجی، ایران را از حیث کنترل وضعیت حقوق بشر به کمال مطلوب نزدیک ساخته، اما سبب شده تا رئیس قوه قضاییه وقت (آیت‌الله شاهرودی) اقدام به صدور دستورالعملها و بخشنامه‌هایی بنماید. این فرامین هرچند جای قانون را نمی‌گیرد و از سوی مجریان و متصدیان مرتبط با تندرها به موقع به اجرا گذاشته نمی‌شود، اما زمینه‌های مساعدی ایجاد می‌کند تا وکلای مدافع و فعالان حقوق بشر بهتر بتوانند از مواضع خود با صدای بلند دفاع کنند.

در اینجا یک نمونه از تغییر رویه رئیس قوه قضاییه در دومین دوره ریاست او بر قوه قضاییه که ناشی از فشارهای خارجی است نقل می‌شود:

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اردیبهشت ماه سال 1383، در مجلس ششم که اصلاح‌طلبان در آن اکثریت را داشتند به تصویب رسید.

مبنای طرح مذکور، دستور رئیس قوه قضاییه به قضات دادگستری برای احترام به حقوق مردم بود. پیش‌تر رئیس قوه قضاییه طی بخشنامه‌ای به قضات، بازجویان و ضابطان قوه قضاییه دستور داده بود از شکنجه، اذیت و آزار یا تحت فشار گذاشتن متهمان یا بدرفتاری با آنها خودداری کنند و نمایندگان مجلس که برای تصویب قوانین مشابه با مخالفت شورای نگهبان روبرو بودند، همین بخشنامه را مبنای تهیه طرح خود قرار دادند و از سد شورای نگهبان گذشتند.

6. گزارش مفسران⁵

صدور بخشنامه مذکور توسط رئیس قوه قضاییه دلیلی بر استفاده از شکنجه و زور در بازداشتگاههای ایران ارزیابی می‌شود. قانون مدافعان حقوق بشر که یک سازمان حقوق بشری داخلی است در بیانیه خود اعلام داشته که با وجود تصویب این بخشنامه در مجلس و تبدیل شدن آن به قانون، همچنان حقوق و آزادیهای مردم و متهمان را نادیده می‌گیرند.

⁵ ر.ک به پیوست 5

در بیانیه مزبور وضعیت متهمان پرونده سایتهای اینترنتی و وبلاگ‌نویسان و نحوه‌ی دستگیری و برخورد با آنها از مصادیق بارز تخلفات شناخته شده است.

به گفته‌ی این کانون ظاهراً هیچ مرجعی پاسخگو نمی‌باشد. با این وصف پیامد گزارش لیگابو و فشارهای جهانی ناشی از آن، موجبات تدوین و سپس تصویب آن بخشنامه را فراهم ساخت و سپس رئیس قوه قضاییه وقت زیر فشارهای جهانی و داخلی مجبور شد موجبات دیدار با زندانیان و وبلاگ‌نویسان، استماع شکایات آنها و سپس آزادیشان را فراهم سازد.

از دیگر نتایج فشارهای خارجی این بوده که آیت‌الله شاهرودی، رئیس قوه قضاییه، دستور برچیدن سلولهای انفرادی را از زندانها صادر کرده است. هرچند بی‌گمان این دستور در یک محدوده‌ی کوچک اجرا شده، ولی بازتابی از فشارهای جهانی است.

کانون مدافعان حقوق بشر، انجمن دفاع از حقوق زندانیان و دیگر سازمانهای مرتبط با حقوق بشر به استناد دستورات ریاست قوه قضاییه که زیر فشارهای خارجی صادر شده و در یک مورد (بخشنامه حقوق شهروندی) به قانون هم تبدیل شده است، توانسته‌اند با تهور و شجاعت بیشتری از حقوق متهمین دفاع کنند. آنها به این دستورات استناد جسته و بر مواضع خود تأکید ورزیده‌اند.

متهمان پرونده سایتهای اینترنتی در دیدارهای مختلف خود با هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، رئیس قوه قضاییه، دادستان کل کشور و فرمانده نیروی انتظامی به افشای مطالبی پرداختند که تا پیش از آن همه از آن سخن می‌گفتند اما نمی‌توانستند شاهد زنده‌ای را برای توصیف فاجعه معرفی کنند. فاجعه این است:

6-1. وجود بازداشتگاهی مخفی و بی‌نام و نشان در مرکز تهران

در سال 1380، سیامک پورزند، روزنامه‌نگار سالخورده و قدیمی در این بازداشتگاه و نظایر آن زیر شکنجه‌های فرساینده قرار گرفته بود، اما نظر به اینکه سیامک پورزند به علت سلیقه‌های سیاسی متفاوت مورد حمایت اصلاح‌طلبان نبود و از طرفی بنا بر خبرهای رسیده، وزارت اطلاعات محمد خاتمی هم با شگردهای خاص همسوی نهادهای موازی عمل می‌کرد، اعضای کمیسیون اصل 90 مجلس ششم، پرونده‌ی او را ناتمام رها کردند و فریب آن عوامل و دستجاتی را خوردند که دوگانه عمل می‌کردند. عوامل وزارت اطلاعات خاتمی از یکسو سیامک پورزند را جانبدار اصلاحات معرفی کرده بودند، از سوی دیگر همین که سیامک پورزند دستگیر شد، با عوامل دستگیر کننده همسو شدند و کمیسیون اصل 90 مجلس را با ارسال نامه‌های محرمانه‌ای که مضامین آن واقعیت نداشت از ادامه رسیدگی باز داشتند. این پرونده هرگاه توسط مطلعین بازگشایی بشود برای اطلاع‌رسانی به عموم سازمانهای حقوق بشری داخل کشور که از هرگونه دفاع حقوق بشری نسبت به وی پرهیز کرده و فریب شایعات اطلاعاتی را خورده‌اند سودمند خواهد بود. سپس با یک تأخیر سه ساله که ناشی از اهمال نهادهای حقوق بشر داخلی و اعضای کمیسیون اصل نود مجلس ششم بود، در جریان پرونده وبلاگ‌نویسان که عموماً مرتبط با اصلاح‌طلبان بودند، افشاگری درباره بازداشتگاه مخفی انجام شد. رجبعلی مزروعی ادعا کرد در قلب تهران زندانی با سلولهای انفرادی بر خلاف همه قوانین و مقررات وجود دارد.

در عین حال، اعضای خانواده و وکلای وبلاگ‌نویسان زندانی در جریان پیگیریهای خود بارها اعلام کرده بودند که نام بازداشت‌شدگان در هیچ‌یک از دفاتر زندانهای زیر نظر سازمان زندانها ثبت نشده است.

این در حالی است که مقامات رسمی، وجود هر بازداشتگاه مخفی و بیرون از نظارت سازمان زندانها را تکذیب کردند و گفتند که همه بازداشت‌شدگان در زندانهای قانونی و زیر نظر مراجع مسئول نگهداری می‌شوند. چنانچه فعالان حقوق بشری در ایران گزینشی عمل نمی‌کردند و به هنگام به داد سیامک پورزند می‌رسیدند، سه سال پیش‌تر افشاگری صورت پذیرفته بود.

یکی از مهم‌ترین آثار فشارهای بین‌المللی بر دولت ایران، روز 23 جولای 2005 ظاهر شد. در این روز آقای عباسعلی علیزاده، رئیس کل دادگستری استان تهران و رئیس هیئت نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی، اقدامات انجام شده در رابطه با حفظ حقوق شهروندی را طی گزارش مفصلی به آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه تقدیم کرد. در این گزارش سیاست انکار مسئولین قضایی جمهوری اسلامی تبدیل به سیاست اقرار شده است. در گزارش تأکید شده:

استفاده از چشم‌بند، ضرب و شتم متهمان، تعیین تکلیف نشدن متهمان و طولانی شدن مدت تحقیقات، زندان برای نوجوان 13 ساله به خاطر دزدیدن یک مرغ در بدترین بازداشتگاهها، نگهداری پیرزن متولد 1311 در زندان به خاطر ناتوانی مالی، دستگیری زنی به جای شوهرش که متهم به جرایم مواد مخدر و متواری است، بلاتکلیف بودن 1400 زندانی یکی از زندانها و ... از موارد بارز نقض حقوق شهروندی است که هیئت نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی در چند ماه بررسی خود از بازداشتگاهها به آن رسیده است و به دنبال پیگیریهای خبرنگار ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران- تهران) در اختیار این خبرنگاری قرار گرفته است ...⁶

تغییر سیاست انکار به سیاست اقرار در گفتار برخی دیگر از مسئولین قضایی کشور در ماه جولای 2005 ظاهر شده است. ضمن آن سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفته است:

29 قاضی به دلیل نقض حقوق شهروندی برکنار شدند.⁷

وی همچنین به طور ضمنی گفته است که «رئیس دادگستری نکا به دلیل افشای نام زمین خواران به کمیسیون مجلس شورای اسلامی از کار برکنار شده است ...»

این گفته‌ها نشانه‌ای است بر اینکه 50 درصد از زندانیان کنونی ایران، ضرورتی نداشته است که زندانی بشوند. آقای مظفر الوندی، مدیر کل پژوهشهای سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، از تغییر شیوه‌هایی که در دست تدوین دارند سخن گفته و بهبود اوضاع را در آینده نوید داده است.⁸

6 رک. پیوست 6.
7 رک. پیوست 7.
8 رک. پیوست 8.

در همین حال و همزمان با رویدادهای مورد اشاره، مجموعه‌ی دادستانی که آقای سعید مرتضوی در مقام دادستان عمومی آن را مدیریت می‌کند و همکارانش از جمله آقای سالار کیا، معاون وی، خشونت نسبت به متهمین سیاسی و مطبوعاتی را انکار کرده‌اند.

از این قرار در یک منازعه وسیع که بر محور حقوق بشر جریان دارد، دو دیدگاه افراطی و اصلاح‌گرا درون حاکمیت ایران، در تاریخ تدوین این گزارش (سال 2005 میلادی) با یکدیگر در ستیزند. دیدگاه اعتدال‌گرا که زیر فشارهای بین‌المللی دریافته است برای بقای نظام جمهوری اسلامی لازم است برخی تغییرات را درون سیستم قضایی کشور بپذیرد، تلاش می‌ورزد برخورد های قوه قضاییه با متهمین را اصلاح کند. اما دیدگاه افراطی درون حاکمیت همچنان مقاوم است و از سیاست انکار دور نمی‌شود. رئیس قوه قضاییه آیت‌الله شاهرودی در دومین دوره از ریاست خود بر قوه قضاییه بر دیدگاه اعتدال‌گرا پافشاری می‌کند و بر حقوق شهروندی تأکید می‌ورزد، بدون آنکه توانایی لازم برای اجرایی کردن این هدفها را داشته باشد.

در جریان مهم‌ترین و حساس‌ترین محاکمه‌ای که پیرامون قتل زهرا کاظمی در جریان بوده و هست، همچنان نظریه افراطی و غیر پاسخگو مؤثر در دادرسی است. روز سوم مرداد ماه 1384 (25 جولای 2005)، دادگاه تجدید نظر زهرا کاظمی در تهران برگزار شد. در این دادگاه اصل علنی بودن دادگاه مراعات نگردید و خبرنگاران را به جلسه رسیدگی راه ندادند. وکلای پرونده نیز از اعاده‌ی پرونده به حوزه‌ی اقتدار سعید مرتضوی (دادستانی) ابراز نگرانی کردند و یادآور شدند در حالی که سعید مرتضوی و همکاران او در ماجرای قتل زهرا کاظمی دخالت داشته، چگونه می‌توان به رفع نقص از پرونده در دادستانی که زیر نظر ایشان است امید بست.⁹ آخرین جلسه دادگاه قتل زهرا کاظمی، در تاریخ 10 تیرماه 1386 در تهران تشکیل شد و وکلای خانواده زهرا کاظمی همچنان بر نقطه‌نظرهای پیشین خود اسرار ورزیدند بدون آنکه نتیجه‌ای حاصل بشود.

7. سخن آخر

اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع جهانی سازمان ملل متحد در سال 1948 میلادی به تصویب رسید. در این اعلامیه اعلام شد رأی و خواسته مردم باید اساس قدرت و اختیار دولت باشد و تضمین اینکه همه شهروندان حق شرکت مؤثر در روند سیاسی دارند، در عمل اهمیت مبارزه برای حقوق بشر را در روند مبارزه برای دموکراسی مورد تأکید قرار می‌دهد. در سال 1993 میلادی اجلاس جهانی حقوق بشر نتیجه‌گیری کرد که دموکراسی، توسعه و احترام به حقوق بشر به هم مرتبط و تجزیه ناپذیرند و توصیه کرد که فعالیتهای ملی و بین‌المللی در عرصه ارتقای دموکراسی، توسعه و حقوق بشر در اولویت قرار گیرند. منشور ملل متحد مصوب سال 1945، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب 1948، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب 1966، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مصوب 1966، اعلامیه تهران مصوب 1968 در کنفرانس جهانی حقوق بشر و اعلامیه حذف کلیه اشکال تبعیض بر پایه مذهب و عقیده مصوب 1981، عموماً دربرگیرنده‌ی تکالیف دول عضو سازمان ملل متحد در خصوص احترام به موازین حقوق بشر است. از سال 1980 به طور مستمر در جوامع بین‌المللی از جمهوری اسلامی خواسته شده

⁹ ر.ک. پیوست 9.

نسبت به حقوق بشر و تعهد خود به پیمانهای بین‌المللی پایبندی نشان دهد و از تداوم مواردی که نشان دهنده نقض حقوق بشر در ایران است جلوگیری کند. اما تاکنون با آنکه ایران دو میثاق مهم بین‌المللی را امضا کرده و دولت جمهوری اسلامی به کنوانسیون حقوق کودک هم پیوسته و نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام وفاداری نموده است، وضعیت حقوق بشر در ایران اسفناک است. دوران اصلاحات با ورود محمد خاتمی به صحنه سیاست سبب شد تا نابسامانیها تا حدودی فرصت انتشار پیدا کنند. از آن رو که متهمین از طیف اصلاح‌طلبان، که اولاً به نظام جمهوری اسلامی وفادار بوده و ثانیاً در شکل‌گیری این نظام نقشهای مهم ایفا کرده بودند، اغلب برکرسی اتهام نشستند، تبعات نقض حقوق بشر را با تمام وجود احساس نموده و به جهانیان گزارش دادند.

از این حیث می‌توان گفت که در دوران 8 ساله‌ی ریاست‌جمهوری محمد خاتمی نه تنها حقوق بشر به فراوانی نقض شده است، بلکه چالش حقوق بشری و افشاگری در این حوزه گسترده شده که البته در درازمدت سودمند خواهد بود. بخشی از وفاداران رژیم جمهوری اسلامی در دوران اصلاحات طعم تلخ زندان و شکنجه و محدودیت را شناختند و با استفاده از فضایی که خود آن را به اعتبار آراء مردم باز کرده بودند، به افشاگری پرداختند.



مهرانگیز کار وکیل، روزنامه‌نگار، و فعال در زمینه حقوق بشر، حقوق زنان و گسترش مردم‌سالاری است. وی دانش‌آموخته رشته حقوق دانشگاه تهران است.

در فروردین سال ۱۳۷۹، مهرانگیز کار در کنفرانس «ایران بعد از انتخابات» که توسط بنیاد هانریش بل در برلین برگزار شده بود شرکت کرد و پس از بازگشت مدت دو ماه را در سلول انفرادی زندان اوین به سر برد. وی به خاطر فشارهای بین‌المللی موقتاً آزاد شد و موفق شد برای معالجه به خارج از کشور برود. وی از سال ۱۳۸۱ در تبعید به سر می‌برد و هم‌اکنون به عنوان پژوهشگر نیوهاوس در دانشکده دخترانه ولزلی مشغول به کار می‌باشد.